



بام شیبدار ، مکانیسم ارتباط دهنده انسان و محیط در مازندران *

¹ مسعود ولی شوبی** ، ²سعید تیزقلم زنوزی ، ³حسن تاری وردی
نژاد

1: کارشناس ارشد معماری دانشکده آزاد تهران مرکز
**Masoud.valinejad@yahoo.com .

2: استاد دانشکده هنر معماری دانشکده آزاد تهران مرکز

3: استاد دانشکده هنر معماری دانشکده آزاد تهران مرکز

چکیده :

فرهنگ های مختلف متناسب با نوع برخورد مردمان با اقلیم مورد نظر خود در طی سالیان درازی شکل می گیرد و تدریجا به صورت نمادی برای آن منطقه تبدیل می شود و در نتیجه هویت آن موقعیت جغرافیایی با آن نمادها عینیت می یابد. این نمادها علاوه بر اینکه حس تعلق را برای ساکنان آن منطقه به وجود می آورند زمینه ای برای بروز رفتارهایی متناسب با هنجار منطقه ای می شوند به این دلیل که شخص همان نمادها و کدهایی را که در خانه ی شخصی خود با همه ی آن خاطرات و پس زمینه های ذهنی مشاهده می کند در مقیاس همسایه ، محله ، شهر نیز مشاهده می کند و در نتیجه مقیاس بزرگ تر از خانه شخصی خود را بیرون از خانه نمی داند و همان حس تعلقی که باعث ایجاد آرامش ، خدمات رسانی و رسیدگی به خانه خویش می شود در مقیاس بزرگ تر از آن هم نمود پیدا می کند. ولی عدم توجه به این مقوله باعث بی ریشگی و سردرگمی فرد نسبت به بافت شهری خود می شود که ناهنجاری رفتاری را در پی می آورد. مردم هر اقلیم خانه های خود را به شکلی بنا می کرده اند که آنها را در برابر فراز و نشیب های محیطی محفوظ بدارد و سطوح آرامش آنها را فراهم کند. سقف به عنوان عنصری در ساختمان که بیشترین تماس را با عوامل نا هنجار محیطی (باد، باران، خورشید) دارد همیشه مورد توجه قرار داشته و در اقلیم های مختلف به شکل های متفاوتی نمود پیدا کرده است. فرم های خاص سقف و نوع برخورد مردمان هر منطقه با این عنصر از ساختمان به عنوان نماد و نشان هویت آن اقلیم و عامل وحدت بخشی در ساختمان های آن اقلیم به شمار می آید. در مازندران هم بومیان مانند مناطق مختلف متناسب با اقلیم که نوع مصالح و معیشت را هم در پی در طی زمان به بهینه ترین فرم رسیده اند ، که قسمت اعظمی از نماد هویتی این منطقه را به خود اختصاص داده است. در این مقاله به نقش فرمی سقف به عنوان عنصری هویتی و وحدت ساز در بناهای مازندران می